



۲۰۱۶/۰۳/۲۲



عزیز پاییز

بهار



جولان بهار آمد چشمان چمن بینا
خاطر به خرامان شد لب بر سر گویا
خورشید چه با نازش پرده ز بهار افکند
مشتاق وصال آمد ساغر به لب مینا
دل تشنه تر از آتش در منتظر او بود
ابر فرح می بارد پیش قدم اینا
از اشک بهار آرید جامی ز می صافش
بلبل به همه مستی زین جام بود جویا
این زمزمه باران شعر طرب انگیزد
موزون طبیعت بین شهنامه این دنیا
نوزاد بهار آمد میلاد طبیعت شد
از بهر قدم او شور و طربی برپا
"پاییز" درین محفل جامی ز طرب برگیر
تا باشی تو مقبول رقص سمن و گل ها

۴ مارچ ۲۰۱۵م